

● پیرامون احوال و آثار میرفندرسکی

حکیم اشراقی

در خلقان درویشی!

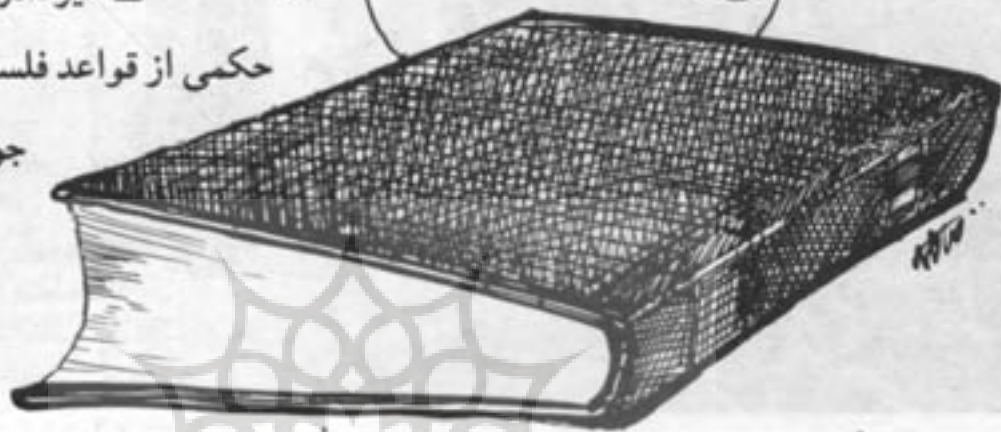
● کریم زمانی

■ میرفندرسکی ظاهراً در افکار فلسفی و آراء

حکمی از قواعد فلسفه مشائی پیروی می کرده و حرکت

جوهریه و اتحاد عاقل و معقول را باور

نداشته است



میرفندرسکی در اظهار نظر و ابراز رأی و سلیقه هرگز مقید
مصلحت اندیشی های رایج و ملاحظه کاربهای معمول نبود. از این رو
تعصب و سختگیری ظاهریشان و تصلب و ناسازگاری معاصران، او را
به جلای وطن واداشت و سرانجام با رنج و تعب به هندوستان رفت. در
انجا نیز مقام علمی و عرفانی وی شاهان هند را تحت تأثیر قرارداد و مورد
احترام و اعزاز آنان قرار گرفت.^(۸) لیکن این دام نیز نتوانست صیاد مرغ
روح او گردد. بدینسان همه ظواهر و خواطر کذایی را فرو گذاشت و جام
غرور از دست دیورعنای دنیا و دنیا داران نگرفت و رها و منسلخ از همه
امتعه دنیوی، به تحصیل کمال و طی مقامات باطنی پرداخت و مدنی نیز
به طریق ریاضت روی کرد و از عرفان و تصوف هندیان بهره ها گرفت.^(۹)
از ویژگیهای اخلاقی او این بود که خرقة درویشان می پوشید و از
همنشینی با توانگران کناره می گرفت و به مجالست با مردم عادی و
فرو دست میل داشت.^(۱۰)

این مشرب درویشی به مذاق شاه عباس خوش نمی آمد. بدین خاطر
روزی شاه با تفریض به او گفت: «شنیده ام که بعضی از طلاب در سلک
او باش حاضر و به مزخرفات ایشان ناظر هستند». میر، مطلب را دریافت
و گفت: من همه روز در کنار معرکه ها حاضر و به مزخرفات ایشان ناظر
هستم ولی کسی از طلاب را در آنجا ندیده ام پس شاه متفعل و ساکت
شد.^(۱۱)

سرانجام این حکیم فهیم در زمان شاه عباس اول و به سال هزار و پنجاه
هجری قمری به سن هشتاد سالگی در اصفهان درگذشت و در تکیه
معروف میر واقع در گورستان تخت فولاد به خاک سپرده شد.

آثار و تألیفات او

آنگونه که از کتب تراجم و احوال بر می آید، آثار میرفندرسکی
مشتمل است بر آثار منظوم و منثور که بیشتر آنها به زبان فارسی است. از
آن رو که وی به زبانهای عربی، بهلوی و سانسکریت تسلط کامل داشت
آثار او نیز متنوع و حاکی از تبحر او در علوم مختلف است:

یکی از بزرگان فلسفه در دوران صفویه، فیلسوف بارع و حکیم متأله و
ادیب زبده، میرابوالقاسم معروف به میرفندرسکی فرزند میرزایک
است.

شرح زندگانی او آنسان که باید و شاید در تذکره ها و تراجم نیامده و
اغلب مورخان و تذکره نویسان در شرح احوال او به ایجاز و اختصار
بسنده کرده اند. از این رو چگونگی حیات او در پرده ای از ابهام مانده
است.

میرفندرسکی ظاهراً در افکار فلسفی و آراء حکمی از قواعد فلسفه
مشائی پیروی می کرده است. از این رو حرکت جوهریه^(۱) و اتحاد عاقل
و معقول^(۲) را باور نداشته است.

شاید عامل دیگری که سبب شده تا برخی او را حکیم اشراقی به
شمار آرند این باشد که وی قصیده ای به مشرب اهل اشراق سروده که
ایبائی از آن آراء اشراقیون را بازگو می کند.^(۳)
به هر حال در این مقاله سعی بر آن است که تا حد امکان و به طور گذرا
نگاهی به احوال و آثار این حکیم عارف داشته باشیم.^(۴)

□ همانگونه که گفتیم کتب تراجم و احوال، پیرامون زندگی
میرابوالقاسم حسینی موسوی، معروف به میرفندرسکی به اجمال
نوشته اند ولی از همین مختصر شرح احوال پیداست که وی از سادات
عالیقندر فندرسک (از بخش های استرآباد) بوده و در دانش عقلی و
حکمت طبیعی و طب و ریاضی از اقران دوران و ابدال زمان خود به شمار
می آمده است.^(۵)

او با آنکه مورد توجه شاه عباس اول بود^(۶) ولی هرگز از این موقعیت
در جهت مطامع دنیوی و حشمت و جلال ظاهری بهره نبرد، بلکه همواره در
جامه درویشی و کسوت بی خویشی روزگار گذرانید.

او با تدریس دو کتاب مهم ابن سینا یعنی قانون و شفاه بیش از
سایرین مورد توجه اکابر علما و اعظام فضلاء عصر خود قرار
می گرفت.^(۷)

میرفندرسکی
در اشراقیه
تأله و حکیم
متأله و ادیب
زبده

کرمان

۱- تحقیق المزله: به گفته صاحب «الذریعة» این اثر نیز همراه با دیگر آثار میرطبق وصیت او به گنج خانه شاه صفوی برده شده است و نسخه ای از آن در کتابخانه مرحوم حاج مولی علی محمد نجف آبادی موجود است. (۱۲)

۲- رساله صنایع (۱۳): این اثر به زبان فارسی و به نثری فصیح و شیوا نوشته شده است و موضوع آن آموختن صناعات و حرفه های مختلف و بیان حد صناعات و منافع آن و تحریض بر آموختن آن هاست. نام دیگر این رساله حقایق الصنایع است. (۱۴)

۳- مقولة الحركة (۱۵): این رساله به زبان عربی نوشته شده و مخطوط است. حجمی بسیار قلیل دارد و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تحت شماره (۹۰) نگهداری می شود. (۱۶)

این رساله با همه ایجاز، مشتمل بر پنج فصل کوتاه است و موضوع آن همانگونه که از عنوانش پیداست بحث و تحقیق پیرامون مسأله حرکت است. او در فصل نخست ابتدا به تعریف حرکت می پردازد و آن را بر مبنای تعریف حکمای پیشین بیان می کند و می گوید: حرکت عبارت است از خروج تدریجی شیء از قوه به فعل. او خروج دفعی و ناگهانی را حرکت نمی نامد بلکه کون و فساد می شمرد. فصل دوم شرح این نکته است که هر متحرکی باید به محرکی برسد و سرانجام باید به محرکی ختم گردد. که هیچ حرکتی در او راه ندارد. در فصل سوم شرح این مطلب است که حرکت، امری وجودی است و تحقق خارجی دارد. فصل چهارم نیز مبتنی بر محور مباحث فصل سوم است. در فصل پنجم سعی بر نقد مثل افلاطونی شده است.

۴- رساله جواب میرفندرسکی به ملامظفر. این رساله به زبان فارسی است و محور بحث آن مسأله «تشکیک ذاتی» آن هم بر مشرب مشائیان است. رساله مذکور خطی است و تحت شماره (۹۰) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

۵- مهابارة از کتب حکمای براهمة هند و معروف به «جوک» است. کتاب فوق یک دوره کامل از تصوف و عرفان هند را بیان کرده (۱۷) و میرفندرسکی در حواشی آن توضیحاتی موجز نوشته است. (۱۸) این اثر، خطی است و در کتابخانه مجلس تحت شماره (۷۲۴۳) موجود است. (۱۹)

۶- قصیده عرفانی مُردَف به سین او که به استقبال از ناصر خسرو سروده است. به گفته ادوارد براون اگر این قصیده، بهترین اثر میر نباشد دست کم از معروف ترین آثار اوست. (۲۰) شمار ابیات قصیده به احصای ملامحمد صالح خلخالی به ۴۱ بیت می رسد و حال آنکه در دیگر تراجم حدود ۳۰ بیت است.

اهمیت این قصیده به حدی است که گروهی از شارحان به شرح آن همت گمارده اند که از آن جمله ملامحمد صالح خلخالی متوفی به سال ۱۱۷۵ هجری و حکیم عباس دازابی شاگرد حاج ملاهادی سبزواری متوفی به سال ۱۳۰۰ هجری را می توان نام برد. و اما بخشی از آن قصیده:

چرخ با این اختران نغز و خوش زیبانی
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی
صورت زیرین اگر با تردبان معرفت
بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی
این سخن را در نباید هیچ فهم ظاهری
گر ایونصرستی وگر بسوعلی سیناستی
ره نیابد بر دری از آسمان دنیا پرست
در نه بگشایند بروی گرچه درها واستی
هرکه فانی شد به او یابد حیاتی جاودان
وربه خود افتاد کارش، بی شک از موتاستی

میرفندرسکی
در اظهار نظر و
ابراز رای هرگز
مقید مصلحت
اندیشی های
رایج و
ملاحظه کاریهای
معمول نبود

این گهر در رمز دانایان پیشین سفته اند
بی برد در رمزها هرکس که او داناستی

۱- بنا به قول ملاصدرا همه موجودات، ره کمال می یابند و در هر مرحله از سیر صعودی و استکمالی خود، یکی از نقایص خود را فرو می افکنند و کمال جدیدی اخذ می کنند. و این تجدد، آنا فانا ادامه دارد. بی آنکه هویت و موضوع شیء، عوض شود. ملاصدرا خود در کتاب عرشیه و دیگر آثارش گوید که این نظریه را از ره تدبیر در آیات قرآنی تحصیل کرده است.

۲- اتحاد عاقل و معقول را به یکی از فلاسفه مکتب افلاطونی جدید یعنی فرفورئوس نسبت داده اند. و ملاصدرا در واقع احیا کننده این اصل به شمار می رود. بنابراین نظریه، هر علمی در واقع با اتحاد عاقل و معقول و عقل، حاصل می شود به نحوی که مُدْرِك از مرتبه وجودی خود به مرتبه مُدْرِك ارتقا می یابد. مشائیان از آن جمله ابن سینا، مخالف این نظریه بوده اند.

۳- استاد شهید مطهری در جلد اول، ص ۲۳ کتاب وزین اصول فلسفه و روش رئالیسم می نویسد: «در میان مسلمانان، اشراقیون به مثل افلاطونیه معتقد بوده اند. میرفندرسکی در قصیده معروف خود اشاره به این مطلب می کند. آنجا که گوید:

چرخ با این اختران نغز و خوش زیبانی
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی»

۴- استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه خود بر کتاب الشواهد الربوبیه برای نخستین بار آراء و افکار ورگه های اصلی فکری و فلسفی حکیم میرفندرسکی را مشروحاً بیان کرده است.

۵- ر. ک. روضة الصفا، رضا قلیخان، ج ۸، ص ۵۸۳، کتابفروشی خیام، سال ۱۳۳۹.

۶- ر. ک. روضات الجنات، میرسید محمدباقر خوانساری اصفهانی، ج ۲، ص ۲۴۴ کتابفروشی اسلامیة، سال ۱۳۵۵ خورشیدی.

۷- ر. ک. ریحانة الادب، محمدعلی مدرس، ج ۴، ص ۳۵۸ کتابفروشی خیام.

۸- ر. ک. پیشین.

۹- حواشی او بر کتاب «جوک» گواه این مطلب است. او در این حواشی سعی دارد پلی میان عرفان هند و عرفان اسلامی بزند.

۱۰- تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی ص ۱۷۲، چاپخانه روشنائی، تهران ۱۳۱۶ خورشیدی.

۱۱- ر. ک. ریحانة الادب، ج ۴، ص ۳۵۸.

۱۲- ر. ک. الذریعة الی تصانیف الشیعة، حاج آغا بزرگ تهرانی ج ۳، ص ۴۸۵، سال ۱۳۵۷ هجری، نجف.

۱۳- این رساله در سال ۱۲۶۷ هجری در بمبئی هندوستان در چاپخانه علی بهانی به صورت سنگی چاپ شد و نیز در سال ۱۳۱۷ خورشیدی توسط استاد علی اکبر شهابی به طبع رسید.

۱۴- الذریعة، ج ۱۵، ص ۸۹.

۱۵- ر. ک. ریحانة الادب، ج ۴، ص ۳۵۹.

۱۶- این رساله با عنوان رساله ذخیره، در کتابخانه مجلس مضبوط است.

۱۷- الذریعة، ج ۱۴، ص ۹۶.

۱۸- اصل این اثر به زبان سانسکریت است که توسط چند مترجم به طور جداگانه به فارسی ترجمه شده است.

۱۹- این متن در سال ۱۳۶۰ خورشیدی بدون حواشی میرفندرسکی توسط استاد جلالی نائینی تصحیح و از طرف انتشارات اقبال منتشر شد.

۲۰- تاریخ ادبیات ایران، ص ۱۷۱.